

سیاست‌گذاری محلی و احساس تعلق به محله؛ مطالعه‌ای در محله‌ی کوهسار (منطقه‌ی چهار تهران)

سهیلا علیرضازاد^۱، سهراب خدایاری^۲، پروین سوادیان^۳

چکیده:

پرسش آغازین در این پژوهش عبارت است از «آیا سیاست‌گذاری‌های محلی بر ارتقای سطح احساس تعلق به محله کوهسار مؤثر بوده است؟» برای انجام این پژوهش یک روش ترکیبی طراحی شد. در بخش کیفی از دو روش مطالعه‌ی میدانی و اقدام پژوهی و در بخش کمی از روش پیمایش استفاده شد. ابزار گردآوری اطلاعات در مطالعه‌ی میدانی مصاحبه‌ی نیمه‌ساخت یافته بود و در اقدام پژوهی از تکنیک‌های مختلف PRA و در پیمایش نیز از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد اقداماتی که در طولانی‌مدت در محله انجام شد، احساس تعلق به محله را کاهش داده است. سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً متکی بر نوسازی بوده و موجب انشقاق بیشتر در ساکنان محل شده است. مهاجرت فزاینده به یا از محله بر کاهش سطح تعلق به محله افزوده است. ارزان بودن قیمت مسکن و عدم امنیت، محله کوهسار را به مکانی گذرگاهی تبدیل کرده است. **واژگان کلیدی:** شهرنشینی، مهاجرت، شوراییاری، احساس تعلق به محله، سیاست‌گذاری محلی

۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار

salirezanezhad@iau-garmsar.ac.ir

Sohrab.khodayari@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

p_savadian@yahoo.com

۳- استادیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۹

تاریخ وصول: ۹۵/۵/۶

بیان مسأله

انسان امروز در شهرها ساکن است. سکونت‌گاه‌های شهری نوین به تولید خود انسان امروز و تشکیل قلمرو قبیله‌ای (هاروی و مری فیلد، ۱۳۹۲: ۷-۸) که شاید انسان به نحوی آن را از دست داده است، می‌پردازند. هاروی در این باره به اهمیت سیاست‌گذاری‌های دولتی هم اشاره می‌کند (همان). شکل‌گیری قبیله در شهر مدرن از آن بابت مهم است که کلان‌شهرهایی مثل تهران دائماً در معرض مهاجرت هستند. افراد ریشه‌کن شده از گذشته در جستجوی پیوندهای تازه، به آن مهاجرت می‌کنند. آنچه که می‌تواند جای روابط عمیق پیشین را بگیرد معمولاً در محله یافت می‌شود؛ که پناهگاهی برای انسان است.

مهاجرت به شهرها از مشخصه‌های مهم حرکت جمعیت در جهان امروز است اما بی‌شک در همه‌ی مناطق شهری یکسان نیست. در کلان‌شهر تهران منطقه‌ی چهار شهرداری از جمله مهاجرپذیرترین مناطق است. این منطقه یازده درصد از مساحت کل تهران و ده درصد از کل جمعیت این شهر را در برمی‌گیرد (ولی نوری، ۱۳۹۰). منطقه‌ی چهار از شمال و غرب (پاسداران و لویزان) و از شرق و جنوب (خاک سفید و شمیران نو) را در برمی‌گیرد. آمارها حکایت از نابرابری اجتماعی اقتصادی شدید، جوان بودن میانگین سنی جمعیت و وجود اقشار آسیب‌پذیر در محله‌هایی همچون خاک سفید، شمیران نو، و غیره، دارد (ولی نوری، ۱۳۹۰).

همراه با فرآیند نوسازی، هجوم مهاجران، و لغو ممنوعیت ساخت و ساز در ابتدای انقلاب اسلامی، پیدایش و رشد محله‌هایی با اسکان غیررسمی مانند خاک سفید و شمیران نو در تهران مشاهده شد (برغم‌دی، ۱۳۸۸). محله‌ی کوهسار نیز که، قبل از تقسیمات سال ۱۳۸۷ جزو محله‌ی خاک سفید^۱ بود، از جمله مناطقی است که مهاجران بسیاری در آن زندگی می‌کنند و در نتیجه این محله - اگر بتوان آن را به این نام خواند - از مشکلات مناطق مهاجرنشین مستثنا نیست. از سوی دیگر در پی بروز مشکلات

۱- خاک سفید بعدها به محله گلشن تغییر نام داد.

ساختاری در تهران، اندیشه‌ی بسط مشارکت مردم در امور شهر مطرح، و فعالیت شورایاری از اردیبهشت ۱۳۸۵ آغاز شد. بی شک سیاست‌های توسعه‌ای در شکل‌گیری حس تعلق به محله و مشارکت مردم برای حفظ محله بسیار مهم است. از این‌رو مهم است بدانیم که عملکرد شورایاری تا چه حد در این باره در محله‌ی کوهسار مؤثر بوده است.

مبانی نظری

شهر یک نظام سازمان‌یافته و دارای ساختار کلی است که محله‌ها اجزای آن هستند. محله‌ها مسکن، کار، و تفریح ساکنان را تامین کرده و نشانه شهر هستند (فیالکوف، ۱۳۸۹: ۲۴). اما نکته مهم فرآیندی است که زیمیل از آن یاد می‌کند. «جورج زیمیل در شهرنشینی از فرآیند جامعه‌زدایی سخن می‌گوید که افراد را از محیط جامعه‌پذیری اولیه‌شان جدا می‌کند.» (همان: ۲۲) شهر دربرگیرنده‌ی سازمانی گسترده، متشکل از اجزای رسمی و غیررسمی در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است که برای تأمین نیازهای ساکنان فراهم و مدیریت می‌شود (کاظمیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۵). شهر همچنین تبلور فضایی عملکردهای انسانی است و انتظار می‌رود نیازهای شهروندان را تأمین کند از این‌رو ارتباط و همکاری تنگاتنگ بین شهروندان و مدیران شهری برای ظهور شهر پایدار امری ناگزیر است (معصومی، ۱۳۹۰: ۴۵؛ پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۴۴). توسعه‌ی پایدار معطوف به ارتقای سطح و کیفیت زندگی افراد و بهبود رفاه عمومی جامعه است و پایداری آن اشاره به استمرار این فرآیند در طول نسل‌ها، دارد. بدان معنی که نیازهای نسل حاضر را بدون به مخاطره انداختن منافع نسل‌های آینده، تامین کند. به نظر می‌رسد که محله بهترین شرایط را برای انجام این مهم فراهم می‌کند. توسعه‌ی پایدار محله‌ای به توسعه‌ای دلالت دارد که در محیط محله شکل می‌گیرد و به پایداری منابع و نتایج در سه بعد محیط زیست، اقتصادی، و اجتماعی منجر می‌شود. توسعه‌ی پایدار محیطی، توسعه‌ای است که هم به حفظ محیط زیست و بهداشت کمک کند و هم شاخص‌های دسترس‌پذیری و قابلیت زیست محیط‌های انسان ساخت را دارا

باشد (پرهیزگار و فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۴۶).

محلّه به عنوان سلول حیات شهری مطرح است و با اتکا به دیدگاه توسعه‌ی پایدار مفاهیمی از قبیل کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در این باره مطرح است (مافی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۴). تلفیق دو دیدگاه توسعه‌ی پایدار و محیط‌گرایی فرهنگی منجر به ظهور رویکرد توسعه‌ی محلّه‌ای پایدار شد. در این دیدگاه محلات شهری دارای درونمایه عظیم اجتماعی و فرهنگی هستند و بازآفرینی فرهنگ شهروندی با توجه به محلّه به عنوان بستر زندگی اجتماعی ساکنان، مطرح است (معصومی، ۱۳۹۰: ۶۱). بدین ترتیب ساکنان محلّه به عنوان شرکا و بهره‌برداران اصلی فرآیند توسعه‌ی پایدار شناخته شده و باید در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تخصیص منابع سهیم باشند. در این رویکرد معیار پایداری محلّه شامل هویت، سرزندگی، دسترسی مناسب، تأمین خدمات، و امنیت است. رویکرد نوین محلّه‌مبنا در پی شناخت توانایی‌ها و ویژگی‌های محلّه‌ها و ناحیه‌های شهری است که فراموش شده‌اند. این رویکرد، خود دارای دو نگرش سنتی یا «نیاز مبنا» و نگرش نو یا «دارایی مبنا» است. رویکرد نیاز مبنا، توسعه را مقوله‌ای می‌داند که از طریق عوامل مؤثر بیرونی انجام می‌شود. این رویکرد به علائق مشتری و ارزش‌های حرفه‌ای اعتقاد دارد؛ در ماهیت، خردگراست، بر محصول نهایی توسعه متمرکز بوده و به ابعاد کالبدی توسعه می‌اندیشد (عارفی، ۱۳۸۰؛ امینی و فریدنژاد، ۱۳۹۰: ۱۲۹). رویکرد «دارایی مبنا» به تمامی نیازهای انسان پرداخته و به توسعه از درون توجه دارد. این رویکرد به مشارکت بهره‌وران، کیفیت محیطی، و خواست مردم تأکید دارد. این رویکرد بر درگیر ساختن سطوح محلی و مشارکت آحاد مردم در زندگی اجتماعی و نهادینه شدن آن تأکید داشته و اساس اجتماعات محلّه‌ای را دارایی‌های آن‌ها قرار می‌دهد (امینی و فریدنژاد، همان). بر این اساس رویکرد «دارایی مبنا» توسط مشخصه‌های ساده تعریف می‌شود که عبارتند از:

الف: شناسایی دارایی محلی: توسعه بر مبنای قابلیت‌های ساکنان، انجمن‌ها و نهادهای عمومی محلّه تعریف می‌شود نه بر مبنای آنچه در محلّه موجود نیست و به آن نیاز است.

کرتزمن و مک نایت^۱ (۱۹۹۳) دارایی‌های اجتماع محلی شامل افراد، انجمن‌ها و نهادها است. در بسیاری از اجتماعات، انجمن‌هایی وجود دارد که اعضای آن برای حل مشکلات با منافع مشترک گرد هم می‌آیند. همچنین نهادهایی (مکان‌های عمومی مانند مساجد، کتابخانه و غیره) وجود دارند که دارایی‌های عینی محله را تشکیل داده، زمینه‌ساز حضور مردم بوده، و امکان انجام فعالیت‌های مشترک را ایجاد می‌کند. دارایی محله در رویکرد «دارایی مبنا» نوعاً سرمایه‌ی اجتماعی و کالبدی را شامل می‌شود. بولن^۲ (۱۹۹۹) معتقد است بدون سرمایه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اجتماع ممکن نخواهد بود (رضازاده، و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۲).

ب- جلب مشارکت شهروندان: دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کنند.

ج- ظرفیت‌سازی: نقش عوامل خارجی، بسیج و تجهیز دارایی‌ها در توسعه‌ی اجتماع محلی مدنظر است که برای ظرفیت‌سازی اجتماعات اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. والیس^۳ (۱۹۹۸) سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی را عوامل شتاب دهنده برای ظرفیت‌سازی می‌داند (همان، ۴۳). همه‌ی موارد بالا با کیفیت زندگی در محله مرتبط است (فرگوسن و دیکنز، ۱۹۹۹: ۳-۲)

از آنجا که توسعه‌ی پایدار ریشه در سطوح خرد شهری دارد، همکاری مسئولان محلی در امکان پذیر نمودن آن، تعیین کننده است. به عبارتی شوراهای محلی زمینه‌ساز توسعه‌ی سازگار با شرایط محله است (صرافی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

محله و هویت

محله مفهومی جغرافیایی و اجتماعی است که قسمتی از شهر را تشکیل می‌دهد که به وسیله‌ی مرزهایی مشخص شده است و ساکنان آن از نظر طبقه اجتماعی یا قومیت مشابهند (معصومی، ۱۳۹۰: ۱۵؛ رضایی و نساجی، ۱۳۹۳: ۷۵). محله یک واحد اجتماعی

-
- 1- Kretzmann & McKnight
 - 2- Bullen
 - 3- Wallis
 - 4- Ferguson & Dickense

و محل اجتماع سهمی از جمعیت به منظور سکونت و زندگی است. اجتماع به مفهوم گروهی است که دارای وجوه مشترکند (فیالکوف، ۱۳۸۹: ۴۶). در تعریف محله مهم‌ترین عامل، اشتراک اجتماعی و فرهنگی ساکنان آن است. فیالکوف معتقد است که «محله برای ساکنانش مرکز ثقل زندگی است و به آن دلبستگی دارند.» (همان) محل‌های خاطر‌انگیزه، فعالیت‌های اقتصادی، فضاهای عمومی و شباهت شرایط زندگی خانوادگی، محله را به یک اجتماع تبدیل می‌کند (فیالکوف، همان؛ معصومی، ۱۳۹۰: ۱۵). هالبواکس معتقد است افراد گذشته خود را با کمک محیط به خاطر می‌آورند. بریدگی فرد از گروهی که به آن تعلق دارد می‌تواند منجر به فراموشی شود بنابراین به زعم هالبواکس گروه اجتماعی نقش اساسی در ظهور و حفظ حافظه افراد دارد (فیالکوف، ۱۳۸۹: ۳۹). فیالکوف تذکر می‌دهد که نوسازی ساختار محله‌های شهری را تغییر داده و ضمن تضعیف خاطرات، افراد را بن‌کن می‌کند (همان: ۴۶)، بدین ترتیب نوعی سلب هویت محلی از شهروندان رخ می‌دهد؛ رخدادی که ظاهراً در محله‌ی کوهسار رخ داده است.

کوین لینچ فضای شهر را قلمروی برای زندگی و هویت‌یابی می‌داند. به نظر لینچ فضا باید دارای هویتی قابل ادراک و شناسایی، به یاد ماندنی و واضح باشد. این ویژگی در بیننده حس مکان را برانگیخته و میان مردم و مکان احساس تعلق به وجود آورد (تولایی، ۱۳۷۲: ۱۱۶). زمانی که استفاده از یک فضا، عادت روزمره‌ی فرد باشد؛ احساس این همانی قوت می‌گیرد و هویت فراهم می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۶: ۱۰۴). بدین ترتیب یک فضای شهری زمانی می‌تواند حس مکان را پدید آورد که امکاناتی برای هویت بخشیدن به افراد ارائه کند؛ دیدار با دیگران در محله، برگزاری مراسم‌ها و تحقق مشارکت‌های فرهنگی و اجتماعی باعث شکل‌گیری خاطره‌های جمعی شهروندان از یک محله می‌شود (قادرمرزی، ۱۳۹۱). با ارائه‌ی خدمات روزمره‌ی مورد نیاز ساکنان و نیز ایجاد نمادهای محله‌ای، از قبیل تاسیسات محلی مثل مراکز مذهبی، پارک، باشگاه و غیره، احساس تعلق به مکان در فرد شکل می‌گیرد. تعلق مکانی به این معناست که مردم خود را به واسطه‌ی مکانی که در آن قرار داشته یا دارند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که حس

مکان نامیده می‌شود افراد را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد. احساس تعلق و دلبستگی به مکان، عمیقتر از حس مکان است. ارتباط با مکان هویت و قدرت فرد، گروه‌ها و اقوام را تقویت کرده و به آنان ثبات می‌بخشد (قادرمرزی، ۱۳۹۱؛ فلاحت، ۱۳۸۵: ۶۰؛ فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۵). جنیفر کراس حس مکان را در هفت سطح از بی تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان، طبقه‌بندی کرد:

- (۱) بی تفاوتی نسبت به مکان،
- (۲) آگاهی از قرار گرفتن در یک مکان: فرد نسبت به زندگی در مکان آگاه است، نمادهای آن را می‌شناسد اما احساسی او را به مکان متصل نمی‌کند،
- (۳) تعلق به مکان: فرد علاوه بر موارد پیشین احساس بودن و تقدیر مشترک با مکان دارد،
- (۴) دلبستگی به مکان: مکان برای فرد معنا دارد،
- (۵) یکی شدن با اهداف مکان: این سطح نشان‌دهنده‌ی درآمیختگی و پیوستگی فرد با نیازهای مکان است،
- (۶) حضور در مکان: تعلق به مکان موجب نقش فعال در مکان است،
- (۷) فداکاری برای مکان: فرد برای رها کردن علائق فردی به خاطر علائق بزرگتر نسبت به مکان، آماده است (ضرایبان و منعم، ۱۳۸۷: ۲۶-۲۵).

شومبارت به تفاوت طبقات در تعلق به مکان معتقد است. او می‌گوید بورژوا روابطش با کسبه‌ی محل سرد و سطحی است، اما کارگر با همسایگانش و با اهل محل روابطی گرم و صمیمانه دارد. کارگر از طریق این روابط همبستگی‌اش را بیان می‌کند (فیالکوف، ۱۳۸۹: ۴۵). با توجه به کارگری بودن بافت کوهسار انتظار می‌رود که در این محله روابط نزدیک بوده و حس تعلق به مکان موجود باشد. اما سیاست‌گذاری‌های انجام شده توسط شورایاری ممکن است این حس را تضعیف کرده و با کاهش حس تعلق احتمالاً مشارکت مردم^۱ هم در محله کم شود.

۱- مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک اجتماع به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود تاثیرگذارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲)

روش تحقیق

این پژوهش به روش ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شد. بخش کیفی، با ترکیبی از دو روش مطالعه‌ی میدانی و ارزیابی سریع (PRA)^۱ (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷) انجام شد؛ پیمایش در ادامه و با تکیه بر یافته‌های بخش کیفی اجرا شد. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساخت یافته و تکنیک‌های مختلف PRA بود. در پیمایش نیز از ابزار پرسشنامه استفاده شد. در این پژوهش با هشت نفر از ساکنان محل، دو تن از کسبه، شهردار و معاون اجتماعی ناحیه‌ی چهار، مصاحبه شد. پس از آن با استفاده از تکنیک‌های PRA از قبیل تکنیک قدم‌زنی^۲، نقشه‌ی اجتماعی و معیشتی، درخت مشکلات، و بوته اثربخشی به اجتماع محلی رجوع شد. سپس تکنیک SWOT نیز اجرا شد.

سرشماری سال ۱۳۸۵ حاکی از وجود جمعیتی معادل ۲۲۷۴۴ نفر بالای ۱۵ سال در کوهسار است. نظر به عدم دسترسی به چارچوب، نمونه‌گیری به شیوه‌ی سهمیه‌ای انجام شد. حجم نمونه در بخش کمی با توجه به فرمول کوکران ۲۰۰ نفر محاسبه شد و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و حذف موارد ناقص یا معیوب ۱۹۶ نمونه‌ی کامل به دست آمد.

آشنایی با جمعیت نمونه

دامنه‌ی تغییر سن پاسخگویان بین ۱۶ تا ۷۷ سال است. پراکندگی تحصیلات پاسخگویان شامل ۳۵٪ زیردیپلم، ۳۳٪ دیپلم، ۱۱٫۷٪ فوق دیپلم، ۱۴٪ لیسانس و ۵٪ فوق لیسانس و بالاتر است. با توجه به سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵، نسبت جنسی در این محله ۱۱۶/۸۸ است. در این محله بیشترین فراوانی، معادل ۱۵/۲۸٪ متعلق به گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله است، که نشان از تسلط مردان جوان در بافت جمعیتی دارد.

آشنایی با محله‌ی کوهسار و تاریخچه‌ی آن

محدوده‌ی مورد بررسی در این پژوهش، محله‌ی کوهسار در شرق تهران است که از نظر تقسیمات شهری، از شمال با حریم منطقه‌ی چهار شهرداری تهران، از جنوب با محله‌ی

1- PRA (Participatory Rural Appraisal)

2- Transect walk

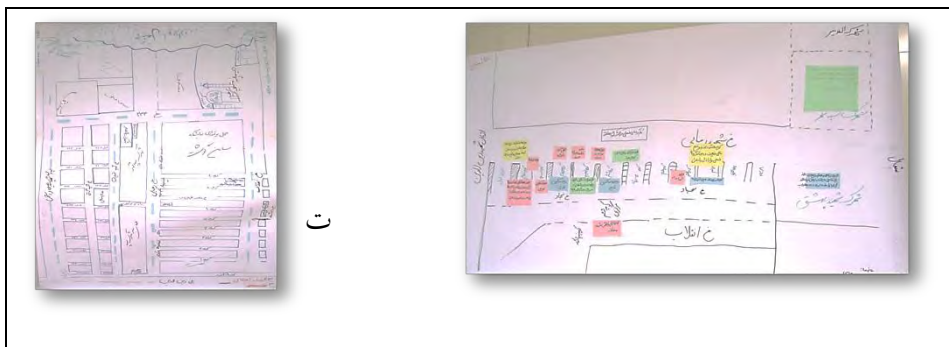
خاک سفید و محله‌ی تهران پارس شرقی، از طرف غرب با محله‌ی مجیدآباد و از طرف شرق با محله‌ی حکیمیه همسایه است. کوهسار که قبل از تقسیمات سال ۱۳۸۷ جزو محله‌ی گلشن (خاک سفید) بود، بنا به اظهارات ساکنان قدیمی‌تر، مهاجران بسیاری از میان اقوام ترک و لر و نیز مهاجران افغان در این محل ساکن هستند. در خلال بحث‌های گروهی گفته شد «سالها پیش جمعیت محله بسیار کمتر بود و اکثر ساکنان بومی محله بودند، اما کم کم با تشدید مهاجرت‌ها، جمعیت محله به شدت افزایش یافت و بومی‌ها منطقه را ترک کرده و بافت جمعیتی محله نیز کاملاً تغییر کرد.» به گفته‌ی اهالی «در فاصله‌ی سال‌های ۶۳ تاکنون ساکنان این محله از حدود ۲۵ خانوار در یک کوچه به حدود ۱۰۰ خانوار در همان کوچه رسیده است.» همچنین در اطراف محله شهرک‌های زیادی مثل شهرک سپه شهر، شهرک الغدیر و شهرک بهشتی ساخته شد. اهالی قدیمی محله می‌گویند با انقلاب اسلامی، زمین‌های محله توسط مردم تصرف شد و تا مدت‌ها تحت مالکیت خاصی نبود، اما هم اکنون برخی از ارگان‌ها مالک این زمین‌ها بوده و بیشتر ساختمان‌ها قولنامه‌ای است. مجموعه شرایط فوق می‌تواند در کاهش احساس تعلق به مکان موثر باشد.

در خلال تکنیک قدم زدن قطعه زمینی در وسط محله مشاهده شد که به گفته‌ی اهالی حدود ۳۵ سال پیش، زمین فوتبال، پارک و فضای سبز بود. هشت سال پیش بانک سپه مدعی مالکیت زمین شد و دور تا دور آن حصار کشید. به گمان اهالی این زمین و ساختمان‌های نیمه‌کاره‌ی آن، محله‌ی کوهسار را به دو بخش تقسیم کرده است. اجرای تکنیک سوات نشان داد که دوپاره شدن محله‌ی کوهسار، سبب دوگانگی فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی محله شده است. تکنیک سوات همچنین نشان داد که محله درگیر مشکلاتی از قبیل: از هم گسیختگی بافت محله به سبب وجود زمین بایر و ایجاد دو بخش ناهمگن، تراکم زیاد جمعیت، مهاجرپذیری، کمبود سرانه‌های خدماتی از قبیل بانک، سیستم حمل و نقل عمومی، فروشگاه‌های بزرگ، باشگاه ورزشی و غیره است. اهالی گفتند که دانش‌آموزان، بویژه دختران، برای ادامه‌ی تحصیل در مقاطع بالاتر باید با

ارائه‌ی قولنامه‌های جعلی به محله‌های دیگر مراجعه کنند. کوهسار دارای چهار مسجد و حسینیه است. برخی از این مساجد روحانی ندارند و برخی از مساجد و حسینیه‌ها مورد استفاده و متعلق به قوم خاصی است. یکی از ساکنان قدیمی محله در این باره گفت: «در محله چهار مسجد وجود دارد که دو تا از آن‌ها کاملاً بدون استفاده و دو تای دیگر نیز به دلیل دور بودن کمتر مورد استفاده اهالی قرار می‌گیرد؛ به همین دلیل یکی از اهالی قدیمی، پارکینگ خانگی خود را برای برگزاری نماز جماعت در اختیار هم محله‌ای‌ها گذاشته است.» به گفته‌ی برخی از اهالی، تولیت مسجد و حسینیه‌ها امکان استفاده از فضای راکد و بدون استفاده‌ی این اماکن را برای برگزاری برنامه‌هایی از قبیل کلاس‌های آموزشی، تأسیس یا تجهیز کتابخانه علمی و آموزشی را فراهم نمی‌سازد. از اینرو نوعی گسست در بین بخش‌های مختلف محله دیده می‌شود زیرا مطابق نظر فیالکوف، توزیع فعالیت‌ها و جدایی فضاها و غیره می‌تواند مبین هنجارها و عادت‌های جامعه باشد (۱۳۸۹: ۳۳). شرایط کالبدی و فرهنگی محله مانع ایجاد حس تعلق محله‌ای می‌شود.

تصویر محله از نگاه ساکنان

برای درک نگرش ساکنان محله از موقعیت و شرایط مکانی آن نقشه‌ی اجتماعی و معیشتی محله‌ی کوهسار توسط اهالی محل ترسیم شد. ترسیم نقشه از یک طرف به مردم محلی کمک می‌کند تا به محل سکونت خود دوباره بنگرند (ازکیا، زارع و ایمانی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). ترسیم نقشه نشان داد که از نظر اهالی وجود جنگل لویزان در شمال محله فرصتی مناسب برای توسعه‌ی برنامه‌های تفریحی اهالی تلقی می‌شود، در حاشیه‌ی محله، دانشگاه خواجه نصیر قرار دارد و فضایی خالی در خیابان شهید بختیاری که بدون استفاده است. به گفته‌ی اهالی این فضا می‌تواند برای ایجاد باشگاه ورزشی یا پارک استفاده شود.



تصویر شماره ۱: نقشه اجتماعی و معیشتی محله کوهسار

شهرک هایی پیرامون کوهسار هست که اهالی شرایط آن‌ها را بدین شرح معرفی کردند:

جدول شماره ۱: مشخصات شهرک‌های پیرامون محله‌ی کوهسار

ردیف	نام منطقه	شرایط
۱	شهرک شهید بهشتی	مطابق نقشه‌ی معیشتی ساکنان منطقه از رفاه و معیشت خوبی برخوردارند. اکثراً کارمند یا بازنشسته ارتش و سپاه هستند. شهرک به طور نسبی از نظر دریافت خدمات در حد مطلوب است.
۲	شهرک سپه شهر	ساکنان اغلب کارمند هستند. نسبت به سایر بخش‌های محله از رفاه مطلوبی برخوردارند. ساختمان‌های این شهرک نوسازتر از ساختمان‌های خود محله‌ی کوهسار هستند.

در جنوب شهرک شهید بهشتی سازمان گوشت قرار گرفته و بین شهرک شهید بهشتی و سپه شهر، پارکینگ اتوبوس‌های شرکت واحد قرار دارد که مشکلاتی را برای اهالی به همراه آورده است.

نقشه‌ی معیشتی محله همچنین نشان داد که ساکنان قدیمی محله در کوچه‌های یکم تا ششم ساکن هستند. اکثر ساکنان محله کارگر بوده یا به مشاغلی از قبیل بسته‌بندی نان در خانه و فروش در محلات دیگر^۱ می‌پردازند. وضعیت معیشت ساکنان محله به طور معناداری از ساکنان شهرک‌های پیرامونی متفاوت بوده و به گروه‌های شغلی متفاوتی

۱- این فعالیت موجب ایجاد شغل برای زنان محله شده است.

متعلقند. این ویژگی مانع برقراری ارتباط و احساس همدلی می‌شود.

جدول شماره‌ی ۲: مشخصات کوچه‌های محله‌ی کوهسار

ردیف	شماره‌ی کوچه‌ها	مشخصات ساکنان کوچه‌ها
۱	کوچه‌های اول و دوم	در این دو کوچه خانه‌ها بزرگ و دارای سند (تفکیک نشده) است. ساکنان این خانه‌ها تقریباً مسن بوده‌اند و هم‌دیگر را می‌شناسند و به هم کمک می‌کنند؛ این افراد از ساکنان قدیمی محله هستند.
۲	کوچه‌های دوم و سوم	در خیابان شهید رجایی قرار دارند. قهوه‌خانه در آن قرار دارد. خانه‌های اطراف قهوه‌خانه چند طبقه است. وضع مالی ساکنان این دو کوچه متوسط و بعضاً بالاتر از متوسط است.
۳	کوچه‌ی چهارم	در این کوچه نانوايي قرار دارد. این کوچه مرزی است که ساکنان قدیمی محله در آن زندگی می‌کنند.
۴	کوچه‌ی پنجم	محل زندگی تعداد زیادی مهاجران افغانی است که معمولاً به صورت مجرد و خوابگاهی زندگی می‌کنند.
۵	کوچه‌ی ششم	کوچه‌ی مرکزی است که به کوچه‌ی ارادل و اوپاش مشهور است. اهالی محل بویژه بانوان شب هنگام جرأت عبور از این بخش از محله را ندارند.
۶	کوچه‌ی هفتم	قهوه‌خانه در آن‌ها قرار دارد.
۷	کوچه‌های هشتم و نهم	ساکنان این کوچه‌ها از وضعیت مالی به مراتب ضعیف‌تری برخوردارند. ساکنان این کوچه‌ها اغلب کارگران فصلی و مهاجران افغانی هستند. به گزارش محلی‌ها این کوچه‌ها محل تجمع ارادل و اوپاش شده است.

احساس تعلق به محله و مشارکت

محله‌های شهری یکی از کانون‌های شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند. احساس تعلق به محله در صورتی پدیدار می‌شود که آن محل برای فرد اهمیتی خاص داشته باشد یا احساسی خاص را در آن فرد برانگیزد. یکی از کسبه که در این محله نقاش ماشین است، می‌گوید: «اینجا همه مهاجرند و از شهرستان میان و مستأجر می‌شوند، شاید به همین خاطر است که محله رشد و پیشرفت نمی‌کند.» او مستقیماً به احساس تعلق به محله و تلاش برای بهبود آن اشاره دارد. پیوندی که به گمان او ریشه‌کن شدن ساکنان به مثابه‌ی مانع آن عمل می‌کند. آقای ۶۵ ساله ساکن قدیمی محله

می‌گوید: «همه می‌دونند که اینجا قیمت خونه مناسب و نسبت به جاهای دیگه‌ی تهران ارزون‌تره، از هر دهاتی وارد تهران می‌شند، می‌آیند اینجا یک خونه‌ی ۳۰ متری اجاره می‌کنند؛ حالا شما ببین ترک هستند، لر هستند، شمالی هستند، آنوقت می‌خواهند حرف همدیگر را بفهمند؟» او به پیشینه‌های فرهنگی متفاوت به مثابه‌ی مانع ایجاد پیوند در بین اهالی اشاره می‌کند. بررسی قیمت خانه در این محله نشان از پایین بودن آن به نسبت به سایر محله‌ها دارد (ممتازنیوز). آقای ۵۳ ساله‌ای از کسبه‌ی محله می‌گوید: «وقتی مردم محله خودشان با هم دعوا دارند، ترک و لر و فارس با هم نمی‌سازند، چطور شهرداری به مشکلات ما رسیدگی کند، خوب معلوم است که محله اینطور می‌شود.»

امروزه مهاجرت و اجاره‌نشینی‌ها ترکیب جمعیتی محله‌ها را تغییر می‌دهد؛ با ورود گسترده‌ی مهاجران و جابه‌جایی‌های متوالی و گسترده‌ی درون شهری، هم محله‌ای‌هایی که با هم آشنا بودند، غریبه شده‌اند و گاه از یکدیگر در هراسند؛ در این باره خانمی ۶۰ ساله می‌گوید: «سال‌ها پیش که مهاجران از شهرهای دیگر نیامده بودند اینجا همه به هم کمک می‌کردند، اگر مشکلی بود همه با هم حل می‌کردیم، اما الان من همسایه‌ی بغل دستی خودم را نمی‌شناسم، شاید دزد باشد برای همین در خانه‌ام راهش نمی‌دهم.» تنوع فرهنگی و سکونت کوتاه‌مدت به مثابه‌ی عاملی برای عدم ایجاد پیوند و اعتماد در بین اهالی عمل می‌کند.

یکی دیگر از مسائل محله نبود یا کمبود امکانات و فضاهای اجتماعی و فرهنگی بود. ارائه‌ی خدمات مورد نیاز و تأسیس نمادهای محله‌ای موجب می‌شود ساکنان آن نوعی احساس تعلق و هویت داشته باشند. آقای بازنشسته از ساکنان محل نیز می‌گوید: «فضای ورزشی محله کم است. امکانات فرهنگی و تفریحی در محله کم است.» یکی دیگر از کسبه‌ی محل معتقد است: «در محله فضای ورزشی ندارند مشکل بزرگی است و جوانان و علاقه‌مندان مجبورند برای ورزش به مناطق دیگر بروند. همین نبودن امکانات ورزشی و بیکاری جوانان باعث اعتیاد آنان می‌شود.» به نظر می‌رسد محله فاقد فضاهایی است که امکان ایجاد خاطره‌ی جمعی و ارتقای سطح تعلق محله‌ای را فراهم می‌کند. این امر درباره‌ی

زنان حتی بیشتر است. دختری جوان از اهالی محل می‌گوید: «در محله‌ی ما هیچ امکانی برای زنان در نظر گرفته نشده؛ فضای سبز که نداریم، در زمین بایری که نزدیک محل است چند وسیله‌ی ورزشی گذاشته‌اند که خانم‌ها نمی‌توانند استفاده کنند.» خانمی دیگر از ساکنان محل معتقد بود: «اگر برای خانم‌ها باشگاه ورزشی می‌ساختند، دخترای جوون ما مجبور نبودند مرتب از محله خارج شوند و راه‌های طولانی بروند.» بنا به گفته‌ی اهالی، در محله‌ی کوهسار فضاهای عمومی برای تجمع و گردهمایی مردم کم است و از مکان‌های موجود مانند مساجد و حسینیه‌ها نیز به درستی بهره‌برداری نمی‌شود. به طور معمول وجود فضاهای فرهنگی، اجتماعی و مذهبی مانند باشگاه‌های ورزشی، کتابخانه، پارک، میدان محله و مساجد در بروز احساس تعلق به محله و انسجام محله‌ای مؤثر است و به مردم امکان می‌دهد که تعلق خاطر بیشتری نسبت به محله‌ی خویش پیدا کنند. خانم ۲۲ ساله‌ی ساکن محله می‌گوید: «وقتی که ما یک سال اینجا مستأجر هستیم، دلیلی ندارد با شهرداری درگیر شویم که مثلاً چرا محله جوی‌های کثیفی دارد؟ ما خیلی در این محل بمانیم دو سال است.» به نظر می‌رسد احساس تعلق محله‌ای در محله‌ی کوهسار با توجه به مهاجرپذیری منطقه و کوتاه بودن زمان سکونت در محله، رو به کاهش است. داده‌های پیمایش نیز کاهش احساس تعلق محله‌ای را در محله‌ی کوهسار تأیید می‌کند.

جدول شماره‌ی ۳: فراوانی میزان احساس تعلق به محله در بین اهالی

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
خیلی کم	۱۲	۵.۹	۱۱.۵
کم	۵۹	۲۹.۲	۶۸.۳
متوسط	۳۲	۱۵.۸	۹۹
زیاد	۱	۰.۵	۱۰۰
مجموع	۱۰۴	۵۱.۵	

شاخص احساس تعلق با جمع ۵ گویه ساخته شده و به ۴ گروه احساس تعلق خیلی

کم، احساس تعلق کم، احساس تعلق متوسط و احساس تعلق زیاد تفکیک شد که حداقل آن ۵ و حداکثر آن ۲۵ بود. در نتیجه مشاهده می‌شود بیش از ۳۵٪ از اهالی احساس تعلق کم یا خیلی کم نسبت به محله خود دارند. همچنین ۱۵.۸٪ آن‌ها این احساس تعلق را در حد متوسطی می‌دانند و احساس تعلق تنها در ۰/۵٪ از ساکنان محله زیاد است. بر مبنای اطلاعات به دست آمده، در میان بیش از نیمی از اهالی محله (بیش از ۶۰٪) نوعی حس جدا بودن از مکان مشاهده می‌شود، به نظر می‌رسد این احساس از عواملی چون نداشتن خاطره‌ی جمعی، نبود فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی در محله ناشی شده است. از اینرو ظاهراً عدم تعلق خاطر به محله از موانع اصلی مشارکت مردم در امور محله است. یکی از خانم‌ها می‌گوید: «من وقتی بچه‌ام را مهد کودک می‌ارم با چند تا از مادرای دیگر در مورد مشکلات محل صحبت کردم توجهی نمی‌کنند، اونا از شهرستان اومدند و می‌گن شاید سال دیگر اینجا نباشن، مستأجرند و می‌رند». بسیاری از ساکنان با محله پیوند ندارند و این امر به منافع ساکنان دائمی محله صدمه می‌زند. احساس تعلق و احساس مسؤولیت در پیوند با هم هستند. عدم حس مسؤولیت مانعی بزرگ برای مشارکت فعال در زمینه‌های مختلف زندگی شهری است. با مشخص شدن میزان احساس تعلق ساکنان محله، رابطه‌ی احساس تعلق با میزان مشارکت در امور محله سنجیده شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گروهی در محله‌ی خود شرکت کنید؟ ۲) آیا تا به حال از هم محله‌ای‌ها خواسته‌اید در اقدامات برای رفع مشکلات محله مشارکت کنند؟ ۳) شما تا چه اندازه حاضرید برای رفع مشکلات محله با شوراییاری همکاری کنید؟ ۴) اهالی این محله تا چه اندازه برای حل مشکلات محله با یکدیگر همکاری می‌کنند؟ ۵) آیا از اینکه در این محله ساکنید راضی هستید؟

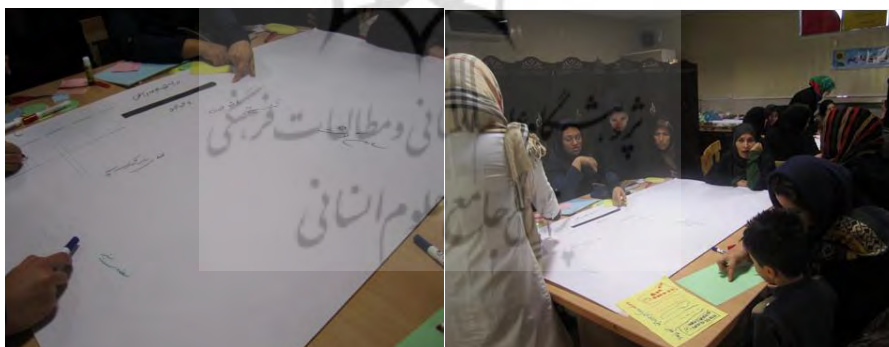
جدول شماره‌ی ۴: دوبعدی رابطه میان احساس تعلق محله‌ای و مشارکت اهالی

مجموع	مشارکت				احساس تعلق محله‌ای
	خوب	متوسط	ضعیف	خیلی ضعیف	
۶۸	۸	۱۸	۲۶	۱۶	کم
۷۷	۶	۴۲	۲۵	۴	متوسط
۴۴	۲۰	۱۷	۷	۰	زیاد
۱۸۹	۳۴	۷۷	۵۸	۲۰	مجموع

جدول بالا نشان می‌دهد که با افزایش احساس تعلق به محله، مشارکت آنان در امور محله نیز افزایش می‌یابد. اجرای کای اسکوتر در مورد رابطه بین احساس تعلق محله‌ای و میزان مشارکت، معادل ۴۳.۹۱۱ با درجه‌ی آزادی ۹ و $\text{sig}=۰.۰۰۰$ است.

سیاست‌گذاری و تعلق محله

سیاست‌گذاری‌های انجام شده به فعالیت‌های شورایی مربوط است. اجرای دو تکنیک بوته‌اثربخشی و سوات نشان داد که اقدامات شورایی در راستای ارتقای حس تعلق به محله نبوده بلکه از جاکندگی ساکنان محله را فزونی بخشیده است.



تصویر شماره‌ی ۲: ترسیم نقشه توسط اهالی

جدول شماره ۵: سوات محله کوهسار (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای محله)

تهدیدها	فرصت‌ها	نقاط ضعف	نقاط قوت
۱. وجود اراذل و اوباش	۱. از جنگل لویزان استفاده نمی‌شود	۱. عدم وجود قرائت‌خانه	۱. کلاس‌های آموزش شهروندی
۲. اعتیاد	۲. وجود حسینیه‌های خالی و بی‌استفاده	۲. عدم انعکاس حرف مردم توسط شوراییاری	۲. کتابخانه‌ی کوچک
۳. نبود مکان فرهنگی	۳. زمین محل نگهداری دختران فراری	۳. نبود افراد جوان و باسواد در شوراییاری	۳. سامان دادن به جداول خیابان‌ها
۴. افزایش قهوه‌خانه‌ها	۴. نبود امکانات بهداشتی	۴. برنامه‌های شوراییاری فقط رویکرد مذهبی دارد	۴. آسفالت خیابان‌ها
۵. عدم امنیت دختران	۵. وجود زمین‌های بایر و بدون استفاده	۵. عدم اعتماد به فعالیت‌های شوراییاری	۵. خریدسرای محله
۶. معضل کامیون‌ها	۶. برگزاری نمایشگاه‌های فصلی	۶. نبود سالن ورزشی	۶. وجود روانشناسان برای مشاوره‌ی بانوان
۷. سرقت	۷. توزیع‌کننده و وارد کننده‌ی مواد مخدر و مشروبات الکلی.	۷. وجود سوله‌ی بازیافت	۷. پزشک برای مردم
۸. سامانسرای لویزان	۸. مزاحمت برخی ساکنان برای سایر مردم	۸. نبود سالن ورزشی بانوان	۸. برگزاری اعیاد و برنامه‌های مناسبی
۹. نبودن امکانات حمل و نقل و رفاهی	۹. عدم همکاری پلیس	۹. نبود میدان تره‌بار	۹. برگزاری کلاس‌های آموزشی
۱۰. وجود عوامل توزیع‌کننده و وارد کننده‌ی مواد مخدر و مشروبات الکلی.	۱۰. اشغال شدن محل توسط اتوبوس‌های فرسوده	۱۰. کمبود مدرسه	۱۰. آبادی محله
۱۱. عدم همکاری پلیس	۱۱. سوله‌ی بازیافت	۱۱. وجود موش در محله	۱۱. مدیر محله فعالیت خوب داشته
۱۲. اشغال شدن محل توسط اتوبوس‌های فرسوده	۱۲. برگزاری نمایشگاه فصلی	۱۲. نبود امنیت مالی و جانی	۱۲. مردمی بودن و به روز بودن
۱۳. سوله‌ی بازیافت	۱۳. برگزاری نمایشگاه فصلی	۱۳. عدم وجود درمانگاه و بیمارستان محله	۱۳. جمع آوری و دسته‌بندی مشکلات
۱۴. برگزاری نمایشگاه فصلی	۱۴. برگزاری نمایشگاه فصلی	۱۴. کمبود سیستم حمل و نقل عمومی	۱۴. رساندن مشکلات مردم به گوش مسئولان
	۱۵. وجود زمین بایر در محله	۱۵. تبلیغات گسترده‌ی شوراییاری و برگزاری جلسات فرمالیته	۱۵. برگزاری جلسات مکرر در سرای محله
		۱۶. عدم اطلاع‌رسانی شوراییاری	۱۶. برگزاری اردوهای زیارتی
		۱۷. عدم برگزاری مسابقات ورزشی برای جوانان	۱۷. اعتمادسازی مردم
		۱۸. عدم همکاری شوراییاری با شهرداری	۱۸. اجرای طرح کوچه سالم
		۱۹. کم‌رنگ بودن ارتباط شوراییاری با مردم	۱۹. برگزاری ویژه برنامه برای نوجوانان
		۲۰. نبود بانک، نبود سینما و پارک، نبود فروشگاه‌های بزرگ، نبود مراکز بهداشتی، عدم ارائه‌ی خدمات به مردم شهرک، عدم وجود فضای سبز و پاک	۲۰. اقدام برای تشکیل گروه دوام
			۲۱. خرید ساختمان بزرگتر برای برگزاری کلاس‌های مختلف هنری و آموزشی
			۲۲. ایجاد پل عابر پیاده بر روی اتوبان شهید زین الدین

سیاست‌گذاری محلی و نیازهای محله

توجه به نیازهای اصلی ساکنان محله و تلاش برای رفع آن یکی از رهیافت‌های توسعه‌ی شهری محسوب می‌شود. عدم توجه به این نیازها می‌تواند موجب کاهش میزان تعلق به و نیز مشارکت مردم در حل مسائل محله شود. شورایاری این محله از اردیبهشت ۱۳۸۷ تا زمستان ۱۳۹۴ حدود ۱۱۰ فعالیت توسعه‌ای انجام داده است که عمده‌ی این فعالیت‌ها از نوع نوسازی و کالبدی بود. حتی در مواردی مثل نصب ست بدن‌سازی عملاً بخشی از جامعه، از جمله زنان امکان استفاده از آن را ندارند.



تصویر شماره‌ی ۳: درخت مشکلات محله‌ی کوهسار

بنا به گفته‌ی یکی از اعضای شورایاری در زمینی که سابقاً باغ انار بود شهرداری منطقه تصمیم به تاسیس سوله‌ی بازیافت گرفت. پس از مخالفت اهالی و شورایاری این تصمیم به ایجاد میدان میوه و تره بار تغییر کرد؛ اما در نهایت سوله‌ی بازیافت در کنار این محله ایجاد و مشکلی به مشکلات محله اضافه شد. همچنین سامان‌سرایي برای اسکان دختران فراری در زمین‌های مفید محله تأسیس شده است؛ فضاهایی که به گمان آنان می‌تواند برای حل بسیاری از مشکلات محله از جمله ساخت اماکن فرهنگی و آموزشی مفید

باشد. به نظر می‌رسد که اقدامات انجام شده از نوع نوسازی و با تصمیم‌گیری از بالا است و از اینرو احساس تعلق به محله را کاهش داده است. بسیاری از شرکت‌کنندگان در بحث گروهی اظهار می‌کردند که نمی‌توانند تأثیری در وضعیت محله‌ی خود داشته باشند. خانمی ۶۰ ساله اعتقاد دارد: «... الان هم که تعدادی از همین شورایاری‌ها از این محله رفتند، پس درد آدمایی که اینجا زندگی می‌کنند رو نمی‌دونند.» نکته آن است که اعضای شورایاری در محله ساکن نبوده و ساکنان نمی‌توانند تعلق محلی آنها را بپذیرند. خانم دیگری از ساکنان قدیمی محله می‌گوید: «وقتی شورایاری برای مردم کاری نکند، مردم محل هم در جلسات شرکت نمی‌کنند.» خانمی ۳۰ ساله می‌گوید: «اگر شورایاری اجازه‌ی انجام کاری را ندارد، پس شورایاری چه کاره است؟ به چه دردی می‌خورد وقتی نمی‌تواند محل باز یافت زباله را از این محل ببرد.» به نظر می‌رسد عدم پیوند لازم بین ساکنان و سیاست‌گذاران محلی موجب اعمال سیاست‌هایی می‌شود که لزوماً با محله مرتبط نبوده و از سوی ساکنان مفید ارزیابی نمی‌شود. یکی از وظایف اصلی شورایاران به مثابه سیاست‌گذاران محلی، شناسایی کمبودها و نارسایی‌های محلی و شناخت نیازهای شهروندان و یاری رساندن به مدیران شهری در تأمین این نیازهاست. بیش از ۶۵٪ ساکنان کمبود امکانات رفاهی را بزرگترین مشکل محله دانسته و پس از آن ۲۱٪، وجود مهاجران و در مرحله‌ی سوم نبود امنیت در محله را به مثابه‌ی مشکل ذکر کرده‌اند. این در حالی است که اقدامات انجام شده چندان به موارد بالا نپرداخته است. جدول ۵ نشان می‌دهد که تنها ۵٪ اهالی بر این باور هستند که امکانات رفاهی محله خوب است.

جدول شماره‌ی ۶: فراوانی مشکلات محله‌ی کوهسار

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
وجود مهاجران	۴۴	۲۱.۸
معتادان	۷	۳.۵
نامنی	۱۲	۵.۹
فرهنگ پایین	۷	۳.۵
کمبود امکانات رفاهی	۱۳۰	۶۵.۳
مجموع	۲۰۰	۱۰۰

از وظایف و اختیارات^۱ تعریف شده برای شورایاری محلات جلب مشارکت شهروندان، شناسایی نیازها و مشکلات است. با توجه به داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها و اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه، به نظر می‌رسد شورایاری محله‌ی کوهسار در برقراری ارتباط مؤثر با ساکنان برای شناسایی نیازها و مشکلات محله موفق نبوده و توان بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود در محله را نداشته است. اگر نیازهای اصلی محله به درستی شناسایی نشده و برای برطرف کردن آن اقدام نشود، مشارکت مردمی رخ نخواهد داد. ساکنان محله‌ی کوهسار با همین مشکل مواجه هستند. اخذ تصمیمات غیرضروری از نظر ساکنان، ایجاد تأسیسات یا تغییراتی که برای افراد محله خوشایند نیست، می‌تواند واکنش این افراد را برانگیزاند؛ این واکنش می‌تواند به صورت اعتراض، بی تفاوتی یا عدم همکاری در برنامه‌های جمعی محله بروز یابد. این شرایط موجب فقدان حس تعلق به محله در ساکنان می‌شود.

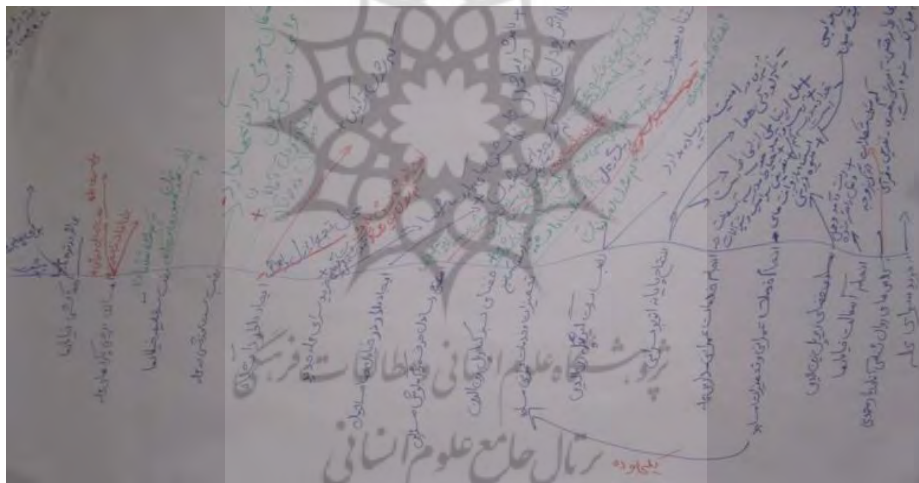
آقای ۶۵ ساله از معتمدین محل می‌گوید: «این محله از قدیم با کمک اهالی محل ساخته شد و شورایاری کمکی به حل مشکلات نکرد. چرا تا حدودی کارهایی کرده، مثلاً پل عابر پیاده زده، اما مردم این محل مشکلات بزرگتری دارند، محل تجمع زباله را جمع کنند.» یکی از خانم‌ها می‌گوید: «در این محل ۵ تا قهوه‌خانه است. کدام محله را دیدید که این همه قهوه‌خانه داشته باشه؟ تفریح جوونای ما شده قهوه‌خانه، قهوه‌خانه هم پاتوق اراذل و اوباش محله است.» به نظر می‌رسد مهمترین محل گردهم آمدن افراد در محله، قهوه‌خانه‌ها هستند که عملاً نوعی خاص از تجربه‌ی مشترک را رقم می‌زنند.

جدول شماره‌ی ۷: دویعدی رابطه میان اقدامات شورایاری و نیاز مردم محله

مشکلات محله					اقدامات شورایاری
وجود مهاجرین	معتادان	ناامنی	فرهنگ نامناسب	کمبود امکانات رفاهی	
۱۸	۲	۲	۴	۲۶	رفع نیاز بسیار اندک
۲۱	۳	۷	۱	۳۲	رفع نیاز اندک
۳	۲	۱	۰	۶	رفع نیاز متوسط
۰	۰	۰	۱	۱	رفع نیاز زیاد
۴۲	۷	۱۰	۶	۶۵	مجموع

۱- بندهای ۲، ۵ و ۷ قانون تشکیلات و وظایف شورایاری‌ها

اجرای کای اسکوتر در مورد رابطه‌ی اقدامات شورایاری و نیازهای مردم محله، معادل ۱۸.۰۴۱ با درجه‌ی آزادی ۹ و $Sig=0.03$ است؛ بنابراین ساکنان محل بر این باورند که اقدامات و سیاست‌گذاری‌های انجام شده برای رفع کمبودهای رفاهی محله مؤثر نبوده است. از آنجا که هدف نهایی رویکرد توسعه‌ی پایدار محله‌ای تأمین نیازهای اولیه و اساسی مردم با توجه به محیط زندگی آن‌هاست، ظاهراً سیاست‌گذاری‌ها در پیوند با نیازهای ساکنان محلی نیست. در این زمینه یکی از جوانان محل گفت: «همه چیز از پایه مشکل دارد، وقتی هیچکدام از اعضای شورایاری و کارمندان سرای محله، بومی نیستند و حتی نگهبان سرا نیز ساکن این محله نیست، چطور با وجود این افراد در شورایاری می‌توان انتظار داشت که از مشکلات محله خبردار شوند؟ چه برسد به اینکه بخواهند کاری برای رفع آن انجام دهند...» داده‌ها حاکی از کمبود اعتماد به شورایاری و سیاست‌های آن است.



تصویر شماره ۴: بوته‌ی اثربخشی ارزیابی فعالیت‌ها و اقدامات شورایاری در محله‌ی کوهسار

یکی از مسائلی که افراد مصاحبه‌شونده به آن اشاره می‌کردند، عدم اطلاع‌رسانی شورایاری به مردم محلی در زمینه‌های مختلف بود. آقای ۴۵ ساله معتقد است: «اگر شورایاری به مردم محله بگوید تا حالا برای محله چه کار کرده یا نامه‌هایی که برای شهرداری نوشته به مردم نشان دهد، ما هم می‌فهمیم اینها دلشان برای مردم می‌سوزد.» مردی ۳۵ ساله از کسبه محل می‌گوید: «اگر شورایاری وقت ملاقات به مردم بدهد خیلی

از مشکلات مردم حل می‌شود. وقتی شورایاری در جریان مشکلات باشد و کاری نکنند، مردم می‌توانند پیگیر شوند که ما مشکل را گفتیم چرا حل نکردید.» یکی از ساکنان و کسبه محله‌ی کوهسار ضمن بیان مشکلات و نقاط قوت محله‌ی خود می‌گوید: «اهالی محله درخواست دارند شورایاری بنری یا تابلویی بزند و زمانی مثل عصر ۵شنبه یا جمعه ساعت ۶ تا ۷ را مشخص کند و بگوید هر کس هر مشکلی دارد بیاید بگوید. می‌تواند هفته‌ای یکبار یا دو هفته یکبار هم انجام شود تا شورایاری از مشکلات محله باخبر شوند. هزار بار شده مردم پرسیدند که رئیس شورا کیه؟ چرا هر موقعی می‌ایم کسی اینجا نیست.» در این باره جدول ۸ یافته‌های پیمایش را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: میزان اطلاع‌رسانی شورایاری به اهالی محله

میزان اطلاع‌رسانی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۷۳	۳۶.۱	۳۷.۶	۳۷.۶
متوسط	۷۷	۳۸.۱	۳۹.۷	۷۷.۳
زیاد	۴۴	۲۱.۸	۲۲.۷	۱۰۰
مجموع	۱۹۴	۹۶	۱۰۰	

این جدول نشان می‌دهد که ۷۴.۲٪ از ساکنان محل معتقدند، اطلاع‌رسانی شورایاری محله در مورد اقدامات انجام شده در سطح متوسط و کمتر از آن است و تنها ۲۱.۸٪ از ساکنان این میزان اطلاع‌رسانی را در حد زیاد و خوب می‌دانند. شاخص اطلاع‌رسانی شورایاری با جمع سه گویه سنجیده شد و پس از تقسیم‌بندی به سه گروه اطلاع‌رسانی کم و ضعیف، اطلاع‌رسانی در حد متوسط و اطلاع‌رسانی زیاد و خوب تقسیم شد.

جدول شماره ۹: دوبعدی رابطه میان اطلاع‌رسانی شورایاری و اعتماد مردم به شورایاری

مجموع	اعتماد			اطلاع‌رسانی
	زیاد	متوسط	کم	
۷۳	۲	۵۴	۱۷	کم
۷۷	۲۰	۵۴	۳	متوسط
۴۴	۴۴	۰	۰	زیاد
۱۹۴	۶۶	۱۰۸	۲۰	مجموع

اجرای کای اسکوتر در مورد رابطه بین میزان اطلاع‌رسانی شورایاری و اعتماد ساکنین محل به آن معادل 130.079 با درجه‌ی آزادی ۴ و $Sig=0.000$ است و معناداری رابطه را نشان می‌دهد. به تعبیر پونتنام اعتماد مهمترین مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۶). وجود اعتماد در بین مردم و شورایاری علاوه بر جلب مشارکت بیشتر، موجب کاهش هزینه‌های مشارکت شده و کارایی و موفقیت مشارکت را افزایش می‌دهد. به نظر می‌رسد اعتماد ساکنان و اهالی محله‌ی کوهسار به دلیل عدم آگاهی از وظایف شورایاری‌ها، نبود ارتباط متقابل و تعامل بین مردم و شورایاری و نیز عدم اطلاع‌رسانی از اقدامات انجام شده در محله، کاهش یافته است. خانمی ۴۲ ساله می‌گوید: «شورایاری کار خاصی نمی‌کند، فقط جلسات فرمالیته می‌گذارند، حتی خودشان در محله زندگی نمی‌کنند.» خانم دیگری می‌گوید: «وقتی شورایاری برای مردم کاری نکنند، مردم محل هم در جلسات شرکت نمی‌کنند.» مصاحبه‌های انجام شده با اهالی و کسبه محل نشان داد که تعدادی از اهالی از ابتدای تشکیل شورایاری و به امید اینکه مشکلات محله از این طریق مرتفع شود، با شورایاری همکاری داشته و دارند، اما چون از بین مسائل و مشکلات موجود محله تعداد زیادی از آن‌ها حل نشده باقی مانده، برخی از این افراد نا امید شده و کمتر در امور محله همکاری می‌کنند. خانم جوانی که از مهد کودک‌سرای محله برای نگهداری کودک خود استفاده می‌کند، می‌گوید: شورایاری کارهای فرمالیته دارد، برگزاری جلسات برای رفع مشکلات محله تا به حال صد بار انجام شده اما فایده‌ای ندارد.»

رابطه‌ی مشارکت اجتماعی با اعتماد اجتماعی دوسویه است. از یک سو هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، مشارکت نیز بیشتر می‌شود و از سوی دیگر مشارکت اجتماعی مولد اعتماد اجتماعی در جامعه است. در محله‌ی کوهسار اعتماد بین مردم و مسئولان کاهش یافته، همچنین اعتماد بین ساکنان محله نسبت به هم، به سبب مهاجرپذیری منطقه خدشه‌دار شده و همین امر زمینه را برای ایجاد بی‌تفاوتی و کاهش حس تعلق به محله فراهم کرده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه برای حل مشکلات شهرنشینی، رهیافت توسعه‌ی اجتماعات محله‌ای با تأکید بر پایداری شهری و رویکردی مردم محور در مدیریت شهری جایگاه ویژه‌ای دارد. با اتکا به رویکرد دارایی مبنای، سرمایه‌های موجود در کوهسار بدان حد نیست که امکان ایجاد پیوند با محل را در ساکنان ایجاد کند. آنان به فضاهای عمومی مثبت از قبیل مساجد، کتابخانه، حسینیه، پارک و فضاهای ورزشی دسترسی ندارند؛ در عوض در محله تعداد زیادی قهوه‌خانه وجود دارد که تجربه مشترک برای گروه‌های خاصی را رقم می‌زند. اغلب ساکنان محله کوهسار نسبت به مکان بی تفاوت هستند. مهاجرپذیری محله و سیاست‌گذاری‌های متکی بر نوسازی، پیوندهای ساکنان قدیمی محله را با محله و با یکدیگر قطع کرده است. فقدان مکان‌های مناسب برای تولید خاطره‌ی مشترک، این فرآیند را تشدید کرده است. با اتکا به تئوری‌ها این شرایط، امکان توسعه‌ی محلی را با توجه به کمبود شدید اعتماد کاهش می‌دهد. از سوی دیگر کاهش و ریزش سرمایه‌ی اجتماعی از طریق بی‌اعتمادی به اقدامات انجام شده، به انشقاق در محله افزوده است. از اینرو بزرگترین مشکل محله ناپایداری اجتماعی است که حاصل ضعف در احساس تعلق به محله به دلیل مهاجرپذیری گسترده در منطقه، سطح مشارکت پایین اهالی و نبود امنیت و رفاه در محله است. همچنین نبود یا کمبود فضاهای عمومی و حتی مراکز آموزشی و درمانی در محله از یک طرف و ناهمگونی بافت جمعیتی و وجود جمعیت مهاجر، سبب کاهش هویت مشترک محله‌ای شده و مشارکت و همبستگی جمعی را در محله تحت تأثیر قرار داده است. احداث و ساماندهی فضاهای عمومی امکان تعامل افراد را با یکدیگر فراهم ساخته و تضادها را کاهش خواهد داد؛ در عین حال ایجاد خاطره جمعی، احساس تعلق به محله را تقویت و در نتیجه مشارکت بیشتر اهالی را برای رفع مشکلات منطقه امکان‌پذیر خواهد ساخت. مشارکت در سطوح مختلف از اطلاع‌رسانی و برنامه‌ریزی تا اجرا، و ارزیابی مشارکتی نتایج موجب ارتقای سطح احساس تعلق به محله شده و سطح مشارکت را فزونی خواهد بخشید. اهالی محله‌ی کوهسار نیازمند تأمین

شرایط برای زندگی و گذران اوقات فراغت در داخل محله هستند تا حس تعلق آنان به محله فزونی یابد. به عبارت دیگر سطح پایین کیفیت زندگی در محله موجب عدم احساس تعلق به آن شده و پیش‌بینی پژوهش درباره‌ی پیوند بیشتر در محله‌هایی با ماهیت کارگری رد شده است. همچنین نوعی هم‌تغییری درباره حس تعلق به مکان و میزان مشارکت مشاهده می‌شود.



منابع:

- ازکیا، مصطفی، عادل زارع و علی ایمانی. (۱۳۸۷). رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه‌ی روستایی، تهران: نشر نی.
- امینی، الهام، فریدنژاد، عاطفه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر بهسازی بافت فرسوده شهری نمونه موردی: محله خوب بخت تهران، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۰، بهار، صص ۹۶-۷۶.
- برغمندی، هادی. (۱۳۸۸). بررسی نظرات شهروندان تهرانی درباره‌ی عملکرد معاونت امور شهری و فضای سبز شهرداری تهران در منطقه‌ی ۴، انتشارات اداره‌ی کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۶). طراحی شهری چیست؟ نشریه‌ی آبادی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و شهرسازی معماری ایران، شماره‌ی ۲۵.
- پرهیزکار، اکبر، فیروزبخت، علی. (۱۳۹۰). چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه‌ی پایدار شهری، فصلنامه‌ی جغرافیایی سرزمین، شماره‌ی ۳۲.
- تولایی، نوین. (۱۳۷۲). فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- رضازاده، راضیه؛ محمدی آبدعمیش، فاطمه؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۲). نقش رویکرد دارایی مبنا در توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن تهران)، باغ نظر. دوره ۱۰، شماره ۲۵، صص ۴۸-۳۹.
- رضایی، محمدرضا و نگین نساجی، سوده. (۱۳۹۳). بررسی راهکارهای مؤثر در ایجاد محله پایدار با رویکرد مشارکتی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی راهنمایی یاسوج، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ششم، شماره‌ی بیستم، بهار، صص ۸۲-۶۹، بازیابی

اردیبهشت ۹۵.

- صرافی، مظفر، توکلی نیا، جمیله و آقایی، عادلہ. (۱۳۹۰). ناحیه‌ی محوری، ضرورت ارتقای مدیریت محلی در شهرداری تهران (منطقه‌ی ۴)، فصلنامه‌ی جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲.
- ضرابیان، فرناز، منعم، محمدرضا. (۱۳۸۷). بررسی و میزان عوامل تأثیرگذار بر حس مکان، فصلنامه‌ی شهرداری‌ها، شماره‌ی ۸۹.
- عارفی، مهیار (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی مبنا برای توسعه اجتماع محلی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۲۲-۳۳.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۶). مدرنیته و مسکن، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
- فلاح، محمداصادق. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن، هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره‌ی ۲۶، تابستان.
- فیالکوف، بانکل. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهر (چاپ چهارم)، عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه.
- قادرمرزی، حامد. (۱۳۹۱). احساس تعلق به مکان، روزنامه شرق، شماره‌ی ۱۵۳۳، یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱؛ بازیابی شده در ۱۶ خرداد ۱۳۹۴.
- کاظمیان، غلامرضا، شادمان فر، رضا، حق شناس، فریده. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر الگوهای شورایاری محلات در مشارکت شهروندان در مدیریت محلات شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، دوره ۲، شماره‌ی ۳، صص ۲۳-۳۷.
- مافی، عزت‌الله، خاکپور، براتعلی، باوان پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی پایدار محله‌ای؛ نمونه کوی سجادی‌هی مشهد، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، دوره ۷، شماره ۱۲، صص ۵۵-۸۱.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه‌ی ملی، نامه‌ی

پژوهش فرهنگی، پیش شماره ۱.

- معصومی، سلمان. (۱۳۹۰). توسعه‌ی محله‌ای در راستای پایداری کلان‌شهر. تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.
- ولی نوری، سامان. (۱۳۹۰). تغییر و تحولات کاربری اراضی در منطقه‌ی چهار شهر تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی جغرافیا و دانشگاه تربیت معلم.
- هاروی، دیوید؛ مری فیلد، اندی. (۱۳۹۲). حق به شهر ریشه‌های شهری بحران‌های مالی (چاپ دوم). خسرو کلانتری، تهران: انتشارات مهر ویستا.
- Ferguson, Ronald F. and Dickense William T. (1999). Urban Problems and Community Development. Washington: The Brookings Institution.
- <https://books.google.com/Accessed :15/Nov/2016>
- <http://www.momtaznews.com/>

